بسمه تعالی

سیاست خارجی دوران دولت محمود احمدی نژاد در واقع از پیش از آغاز آن شروع شد. انتخابات ریاست جمهوری دولت ۱۳۸۴ نوع جدیدی از رقابت سیاسی را در جمهوری اسلامی تثبیت یافته عریان کرد: اگر انتخابات ۱۳۷۶ رقابتی، ولی در عین حال مداراجویانه و مبتنی بر درخواست‌های مترقی طبقه‌ای متوسط و باز احیا شده پس از جنگ ایران و عراق بود، انتخابات ۱۳۸۴ بیش از هر چیز بر پایه تشتت در نیروهای سیاسی موسوم به اصلاح طلب (که موجب تقسیم و شکسته شدن آراء آنها شد)، خواسته‌های توده‌ای (نه ناشی از دغدغه‌های عمیق معیشتی بلکه ناشی از احساس در حاشیه بودن طبقات فرودست شهری و روستایی)، و ناشی از کار سیاسی نیروهای موسوم به اصولگرا بود که در دوره هشت ساله اصلاحات ضمن کنشگری در مقابل دولت مستقر، برای رسیدن به پاستور برنامه ریزی کرده بودند. البته باید ذکر کرد که در انتخابات مذکور، اصولگرایان هم نظر منسجم و واحدی نداشتند و لااقل محمد باقر قالیباف و علی لاریجانی در کنار محمود احمدی نژاد بخش‌هایی از طیف اصولگرایان را نمایندگی می‌کردند. اما در هر حال، مستظهر به نوع کنشگری شخص احمدی نژاد و حمایت‌های غیر سنتی و فرا سنتی اصولاگرایان از ایشان، دوقطبی هم در دور اول و هم بیش از آن در دور دوم انتخابات بین آیت الله هاشمی رفنسجانی و محمود احمدی نژاد شکل گرفت که این کمال مطلوب احمدی نژاد بود.

با پیروزی احمدی نژاد که شعارش بیش از آنکه شبیه مدیران و سیاستمداران کلاسیک جمهوری اسلامی ایران باشد، به توده فرودست می‌ماند، توج ها به کنشگری و موضعگیری وی در حوزه سیاست خارجی معطوف شده بود. خیلی زود و پیش از پایان دولت اصلاحات، با دستور رهبری، پلمپ تأسیسات هسته‌ای که متعاقب تعهدات فیمابین سه کشور اروپایی و ایران انجام شده بود شکسته شد.

در واقع باید گفت الگوی نانوشته و غیر رسمی در تحویل قدرت دولت مجریه در دوران رهبری شهید، غلبه دولت تازه بر اراده دولت مستعجل بوده است. به طوری که رئیس جمهور ننشسته بر صندلی قدرت عموماً به جز تحویل گرفتن امور، خطوط اصلی دولت را هم مبتنی بر راهبرد و سلیقه خود معین می‌کرد؛ امری که بعداً در سال ۱۴۰۰ نیز به روشنی رخ نمود.

شکستن پلمپ‌ها بلافاصله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و غرب را در موضع تهاجمی قرار داد. همانطور که پیش‌تر گفته شد، توافق ایران و سه کشور اروپایی بر اساس پلمپ موقت و اعتمادسازی کامل و شفاف از طرف ایران در قبال عدم ارجاع پرونده به شورای امنیت ملل متحد از سوی سه کشور بود. از این دوره، چرخه افزایش تنش کلامی و حقوقی بین ایران و آژانس – غرب آغاز شد.

ساسان کریمی
تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

البته باید گفت که در موضوع هسته‌ای، موضع کشورهای هسته‌ای چندان فاصله‌ای از هم نداشت. یعنی شاید این از معدود موضوعاتی بود که در محکومیتش، موضع کشورهای غربی و چین و روسیه یکسان بود. از رای گیری در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی می‌توان این امر را استنتاج نمود.

این امر بلافاصله در لحن گزارش‌های مدیرکل، بیانیه‌ها و قطعنامه‌های شورای حکام آژانس و سپس ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت در کمال ناباوری دیده می‌شود:

ردیف	تاریخ تصویب	شماره سند	موضوع و اهمیت
۱	۱۱ اوت ۲۰۰۵	GOV/2005/64	قطعنامه درباره اجرای پادمان‌ها در ایران؛ مطالبه ازسرگیری تعلیق فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی.این قطعنامه پس از آغاز ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد تصویب شد.
۲	۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵	GOV/2005/77	تأکید بر موارد عدم رعایت تعهدات پادمانی در گذشته، وجود مسائل حل‌نشده و ضرورت شفافیت کامل ایران.
۳	۴ فوریه ۲۰۰۶	GOV/2006/14	قطعنامه‌ای مهم که از جمله تصمیم به گزارش‌دادن موضوع به شورای امنیت سازمان ملل گرفت؛ نقطه عطفی در بین‌المللی‌شدن پرونده هسته‌ای ایران.
۴	۲۷ نوامبر ۲۰۰۹	GOV/2009/82	قطعنامه درباره اجرای توافق پادمان و مفاد مرتبط قطعنامه‌های شورای امنیت؛ شامل نگرانی درباره تأسیسات فردو و درخواست همکاری کامل ایران با آژانس.
۵	۱۸ نوامبر ۲۰۱۱	GOV/2011/69	ابراز نگرانی جدی درباره ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران و مطالبه تشدید گفت‌وگو و حل فوری مسائل حل‌نشده.این قطعنامه با ۳۲ رأی موافق، ۲ رأی مخالف و یک رأی ممتنع تصویب شد.
۶	۱۳ سپتامبر ۲۰۱۲	GOV/2012/50	تأکید بر نگرانی از ادامه غنی‌سازی و فعالیت‌های مرتبط با آب سنگین، مطالبه اجرای تعهدات پادمانی و پروتکل الحاقی، و درخواست دسترسی به اماکن مورد نظر آژانس، از جمله پارچین

اما پیش و بیش از موضوع هسته‌ای، ابتکار محمود احمدی نژاد در یک سخنرانی در تهران و زیر سوال بردن پدیده هالوکاست، بیش از هر چیز، نام او و ایران را بر سر زبان‌ها انداخت و بیشترین فضا را برای رژیم اسرائیل برساخت تا بتواند در اوج ضعف شهرت در محیط جهانی خود را بازسازی کرده با معرفی دشمنی که «می‌خواهد نابودش کند» همه را به ویژه در غرب به پشتیبانی از خود فراخواند. در واقع این امر، به پروژه امنیتی‌سازی اسرائیل و امریکا علیه ایران کمک قابل اعتنایی کرد.

ساسان کریمی
تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

از پی این امر، اوج گیری پرونده هسته‌ای با توجه به ارجاع آن به شورای امنیت ملل متحد در ۶ فوریه ۲۰۰۶ (زمستان ۱۳۸۴)، سرآغاز چرخه کاملی از امنیتی‌سازی ایران شد. قطعنامه ۱۶۹۶ ملل متحد (در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶) در کمال ناباوری با رای مثبت روسیه و چین علیه جمهوری اسلامی ایران مصوب شد. سو محاسبه ایران موجب شد تا لحظه آخر به وتوی دولت روسیه دلخوش باشد. این در حال بود که در روز منتهی به اخذ رای در شورای امنیت ملل متحد، روسیه همراهی قریب الوقوع خود را به اطلاع ایران رساند. این اولین قطعنامه علیه ایران ذیل بند ۳۹ فصل هفتم منشور ملل متحد بود که به طور اصولی این فصل (از بند ۳۹ تا ۴۲) در موضوع تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی است. مجموعاً ۶ قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت ملل متحد به تصویب رسید که ۵ فقره از آنها ذیل فصل هفتم بود. قطعنامه‌های مذکور از ابراز نگرانی و الزام ایران به پاسخگویی سریع آغاز شده و تا بند ۴۱ که اقدام‌های تحریمی و نظارتی را بر کشورها فرض می‌کند ادامه دارند. به ویژه قطعنامه ۱۹۲۹ که با لحنی بی سابقه نوشته شده است، دارای داستان قابل توجهی است.

هرچند از ابتدای دولت نهم، جهت گیری مناسبی در سیاست خارجی و به ویژه سیاست هسته‌ای اتخاذ نشده بود ولی بلافاصله پس از تصویب قطعنامه ۱۶۹۶، لااقل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تلاشی را برای معکوس کردن این روند تخریبی آغاز کرد. دکتر علی لاریجانی که با به روی کار آمدن احمدی نژاد به این سمت منصوب شده بود در همکاری نزدیکی با خاویر سولانا (مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا) تلاش کرد موضوع را به راه حلی لااقل در سطح اروپا و آژانس نزدیک کند که از این راه از تصویب قطعنامه‌های بیشتر جلوگیری شود که البته با زمینه نامناسب سیاسی پیرامون ایران و بین ایران و اروپا این کار آسان و سریع جلو نمی‌رفت. نهایتاً بعد از حدود دو سال و هنگامی که کار بین ایران و اتحادیه اروپایی تا حدی جلو رفته بود، در مهر ۱۳۸۶ به ناگهان دبیر شورای عالی امنیت ملی طی تنشی داخلی تغییر کرد و سعید جلیلی جانشین علی لاریجانی شد. با این تغییر جهت‌گیری مذاکرات هسته‌ای نیز به کلی دگرگون شد. از طرفی با رویکرد سلبی دبیرخانه کار مذاکرات به هیچ روی جلو نمی‌رفت و چرخه معیوب مذاکره، فشار و سرسختی و قطعنامه و دوباره مذاکره آغاز شد.

بعد از مدتی که ناکامی مذاکرات دبیرخانه شعام روشن شده بود، مسیر دیگری در دولت و خارج از دبیرخانه آغاز شد و رئیس جمهور و وزیر خارجه در سال ۱۳۸۹ با در دست گرفتن مذاکراتی با ترکیه و برزیل، توافقی زودهنگام را به طور سه جانبه اعلام کردند. این توافق که مبتنی بر خروج مواد غنی شده از خاک ایران بود البته به دلائل سیاسی با چراغ سبز اوباما انجام شده بود. اما بلافاصله پس از اعلام این توافق که مورد استقبال کسی در جهان واقع نشد، قطعنامه سهمگین ۱۹۲۹ با رای مثبت چین و روسیه در شورای امنیت ملل متحد علی ایران به تصویب رسید. این قطعنامه دیگر ذیل بند ۴۱ در فصل هفتم منشور قرار داشت و کشورها را مجبور می کرد برای جلوگیری از حمل تسلیحات موشکی و نظامی و مواد و تجهیزات هسته‌ای کشتی‌های از مبدأ ایران را عنداللزوم متوقف و

ساسان کریمی
تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

بازرسی کنند. در توازی با این قطعنامه ششم، تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده و اروپا بر سر سیاست و روابط خارجی ایران آوار شد. از همه مهم‌تر تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی و همچنین کاهش تدریجی حجم فروش نفت ایران بود که هر شش ماه مطابق برنامه‌ای از پیش اعلام شده توسط ایالات متحده کاهش می‌یافت.

اما بازی دوگانه اوباما در فقره توافق ایران با ترکیه و برزیل، این بود که از طرفی این دو کشور انگیزه کافی برای افزایش نقش خود در عرصه بین‌المللی داشتند و از همین رو در بالاترین سطح در تهران حضور پیدا کردند. از طرف دیگر چون لحن قطعنامه پیشنهادی ۱۹۲۹ بسیار کوبنده، سنگین و دارای تبعات جدی برای ایران بود، چین و روسیه چندان آمادگی همراهی با آن را در بدو نداشتند. اوباما با طراحی ابتکار تهران از طریق ترکیه و برزیل، به تحریک این دو کشور اهتمام کرد.

توضیح لازم است که: سنتاً اعضاء دائم شورای امنیت ملل متحد به ویژه آنها که کمتر مزیت اساسی در خارج از شورا دارند، ترجیح مرجحشان بر حل مسائل در چارچوب شورای امنیت است تا ابتکارهای خارج از آن. بنابراین نگرانی از کنار گذاشته شدن در طرح و حل مساله هسته ای ایران موجب تحریک و سپس همراهی بلافاصله چین و روسیه در موضوع قطعنامه ۱۹۲۹ شد به طوری که از ابتکار تهران (۲۷ اردی بهشت ۱۳۸۹) تا تصویب ۱۹۲۹ در ۱۹ خرداد ۱۳۸۹ بیش از سه هفته زمان لازم نبود.

محمود احمدی نژاد همچنین از هر ابتکاری برای حل مسأله عمدتاً به علل داخلی استقبال نمی‌کرد. سفر آقای دکتر ولایتی به فرانسه و مذاکره با رئیس جمهور وقت این کشور که می‌توانست میانبری در جلو رفتن مذاکرات و تقریب مواضع و نیفتادن بیش از پیش کشور به ورطه امنیتی سازی و غیره جلوگیری کند توسط رئیس جمهور به عکس خود تبدیل شد. به طوری که به وقت مذاکره، دولت ایران به دولت فرانسه اطلاع داده بود که کسی که در پاریس در حال مذاکره است نماینده دولت ایران نیست. این نوع کارشکنی‌ها و اختلافات داخلی هم به افزایش تنش و ناکارمدی سیاست خارجی دامن می‌زد.

تصویب قطعنامه‌ها، تحریم‌های یکجانبه مُفصل اروپا و امریکا، تهدید جنگ رژیم اسرائیل، امنیتی سازی ناشی از مواضع و بروزهای رئیس جمهور، در کنار نوع رفتار امتیازآور روسیه و چین در مجامع بین‌المللی (به ویژه شورای حکام آژانس و همچنین شورای امنیت ملل متحد) کار را به جایی کشاند که دولت احمدی نژاد که از قیمت و فروش بالای نفت در سال‌های پس از ۱۳۸۸ به ویژه مشعوف و مغرور بود، با ضربه‌ای قابل ملاحظه در فروش نفت، انتقال وجه، واردات و صادرات کالا و غیره مواجه شد. قیمت ارز شروع به رشد اساسی چند صد درصدی کرده بود و از ۱۲۲۶ تومان به نزدیک ۴۰۰۰ تومان رسیده بود.

در این مقطع نیز همچنان مذاکرات بی فایده دبیرخانه شورای عالی امینت ملی با تناوب قابل توجه ادامه داشت ولی از هیچ کدام از این نشست‌ها، هیچ خروجی قابل اعتنایی خارج نمی‌شد. بنابراین پیامی که از سوی سلطان قابوس عمان توسط دکتر سالم الاسماعیلی

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir

به تهران ارسال شد، کارساز واقع شد و اراده جدیدی را این بار از مسیر وزارت امور خارجه دکتر صالحی رقم زد. مسیر غیرعلنی مسقط برای تقریب مواضع ایران و ایالات متحده شکل گرفت که البته با همکاری نکردن دبیر شورای عالی امنیت ملی و همچنین عدم هماهنگی توسط رئیس جمهور که حالا به کلی موضوع هسته‌ای را خارج از دست خود معرفی می‌کرد، توقف قابل توجهی را تجربه کرد. عملاً مذاکرات در حد مدیر کل به صورت مستقیم میان ایران و ایالات متحده شروع و دو دور ادامه داشت. واسطه گری عمان توانست اعتمادسازی کند ولی در واقع هزینه این اعتماد به آینده موکول شده بود. مساله غنی سازی صفر که خط قرمز امریکا بود هنوز روی میز باقی مانده بود و به هیچ عنوان به رسمیت شناخته نشد ولی طرف میانجی به ایران اطمینان داد که پذیرفته شده است. البته این واسطه گری غیر دقیق توانست ابهامی سازنده را به مذاکرات تزریق کند و اگر چه چندان مسیر طولانی تا انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ نمانده بود، سابقه ایجاد شده تابوی مذاکره مستقیم ایران و امریکا را شکست و زمینه مناسبی برای ادامه مسیر که بسیار دشوار بود ایجاد کرد.

واقع امر آن است که در زمان مذاکرات به کلی سری عمان، شایعاتی در تهران به گوش می‌رسید که دکتر ولایتی به مسقط رفته و با امریکایی‌ها در حال مذاکره است. این شایعه دقیق نبود ولی کاملاً هم خالی از محتوا نبود.

انباشد موضوعات انتخابات ۱۳۸۸ و ناآرامی‌های پس از آن، تحریم‌های بین المللی و یکجانبه، افزایش نرخ ارز و فشار اقتصادی، کاهش فروش نفت، از دست رفتن سهمیه اوپک، توقف پروژه‌های عمرانی و پرداخت‌های دولتی و نیز جلو نرفتن مذاکرات علنی هسته‌ای موجب شده بود دولت احمدی نژاد در انتهای مسیر خود در جامعه با دقیقه شماری برای خروج از قدرت مواجه شده بود.

ساسان کریمی

تهران، خیابان امیرآباد شمالی،
پردیس شمالی دانشگاه تهران،
دانشکده مطالعات جهان، اتاق ۴۰۱
شماره تلفن: ۰۲۱۸۸۸۷۵۹۲۰
sasankarimi.ir
sasan.karimi@ut.ac.ir